



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الخامس: مايفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۸ رجب ۱۴۳۷

موضوع جزئی: مسئله نهم - صور چهارگانه، مسئله دهم

جلسه: ۸۸

سال ششم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

در مسئله نهم امام (ره) متعرض فرعی شده‌اند که مربوط به ذیل مسئله هشتم است، لکن عرض شد اگر بخواهیم همه فروض و صور مرتبط با مسئله نهم را ذکر کنیم چهار فرض یا چهار صورت قابل تصویر است؛ دو صورت و حکم آن بیان شد. صورت اول این بود که مال التجارة که قیمتش افزایش پیدا کرده، همه در آن سال خمسی فروخته شده و در پایان سال چیزی از آن مال باقی نمانده است. حکم این صورت بیان شد و عرض شد که در این صورت فرقی بین مبنای مختار و سایر مبانی وجود ندارد؛ چون طبق همه مبانی عنوان فائده صدق می‌کند. صورت دوم این بود که همه آن اموالی که داشته، در آخر سال موجود باشد و هیچ چیزی از آن مال را نفروخته باشد. در این صورت گفتیم طبق مبانی مختلف حکم متفاوت است. است طبق مبنای مختار، خمس در ارتفاع قیمت نسبت به این اموال حتی اگر فروخته نشوند و امکان فروششان هم نباشد، واجب است اما طبق نظر امام (ره) اگر امکان بیع این اموال و اخذ قیمتش باشد، خمس واجب است و الا واجب نیست و طبق نظر امثال مرحوم آقای بروجردی هم خمس واجب نیست. این دو صورت که در متن تحریر مورد اشاره واقع نشده ولی ما متعرض شدیم و حکمش را بیان کردیم.

حکم صورت سوم

صورت سوم که امام (ره) در متن به آن اشاره کرده‌اند این است که بعضی از این اموال در آخر سال موجود است و فروخته نشده و بعضی هم فروخته شده لکن هنوز پول آن گرفته نشده بلکه به عنوان دین بر گردن مردم ثابت است. امام (ره) در مورد این صورت فرموده‌اند نسبت به آن مقداری که فروخته نشده و موجود است، اگر امکان بیع و اخذ قیمت باشد که فرض هم همین است، خمس واجب است؛ چون امام قائل به وجوب خمس در ارتفاع قیمت بودند به شرط اینکه امکان بیع و اخذ قیمت باشد. الان از آن اموال که مثلاً یک تن گندم بوده، پانصد کیلو باقی مانده و قیمتش دو برابر شده، قهراً با توجه به امکان بیع، خمس در آن واجب است.

اما نسبت به آن بخشی که فروخته شده ولی هنوز پولش از مردم اخذ نشده بلکه به عنوان دین به گردن مردم است، اینجا امام بین دو صورت تفصیل داده و فرموده‌اند اگر دین و طلبی که از مردم دارد به نحوی است که اطمینان به استحصالی آن دارد، در این صورت خمس واجب است ولی اگر دین به نحوی است که هر وقت خواست نمی‌تواند از مردم بگیرد (لا یطمئن

باستحصاله متی أراد)، مثلاً پانصد کیلو گندم فروخته ولی آن را نسیه فروخته است و به نحوی نیست که هر زمانی که خواست بتواند از مردم بگیرد؛ اینجا فرمودند الان خمس واجب نیست و باید صبر کند تا زمان تحصیل این دین فرا برسد، آنوقت هر گاه این دین را وصول کرد و طلبش را از مردم گرفت آن را در همان سال مالی قرار دهد که این دین را تحصیل کرده است. مثلاً جنس را در اسفند ماه سال گذشته فروخته و سال مالی اش هم سال قبل بوده اما پولش را امسال از مردم می‌گیرد؛ اینگونه نبوده که قبل از این سال اگر می‌خواست می‌توانست بگیرد. در این صورت خمس به سال مالی قبل متعلق نمی‌شود بلکه در سالی که این دین را در آن سال تحصیل کرده، قرار می‌دهد.

وجه این تفصیل امام (ره) در قسم ثانی کاملاً روشن است چون دینی که اطمینان به استحصال آن دارد (هر وقت که بخواهد می‌تواند آن را بگیرد)، این در واقع در حکم امکان بیع و اخذ قیمت است و فرقی هم نمی‌کند. شرط وجوب خمس این بوده که امکان فروش و اخذ قیمت مرتفعه باشد. درست است که الان بحث فروش نیست و فروخته و تمام شده ولی دینش بگونه‌ای است که هر لحظه اراده کند می‌تواند به سراغ خریدار برود و طلب خود را وصول کند. پس کانه این شرط محقق است لذا اگر دین به این نحو باشد خمس واجب است ولی آنجا که اطمینان به استحصال دین ندارد و هر وقت خواست نمی‌تواند به سراغ خریدار برود و پول جنس فروخته شده را از او اخذ کند، در این صورت فرمودند خمس مربوط به آن سال مالی نیست و این هم به این جهت است که وقتی طلبش از مردم قابل وصول نیست کأن مثل این است که جنسش موجود است و امکان بیع ندارد. بر این اساس خمس واجب نیست. این بنا بر مبنای امام است.

اما در همین صورت سوم، طبق مبنای مختار خمس مطلقاً واجب است، هم در قسم اول که واضح است و هم در قسم ثانی. در قسم ثانی هم اعم از اینکه اطمینان به استحصال دین هر موقعی که اراده کرد، داشته باشد یا نداشته باشد چون طبق نظر ما خمس مطلقاً واجب است. علی‌ای حال قیمت مرتفعه یک مالیتی است نزد عرف لذا متعلق خمس است چه قابل فروش باشد و چه نباشد، بنابراین طبق مبنای مختار در صورت سوم هم خمس واجب است.

حکم صورت چهارم

صورت چهارم که در مسئله نهم مورد تعرض واقع نشده این است که همه مال التجارة را بفروشد در حالی که قیمتش هم بالا رفته است ولی ثمن این معامله را الان اخذ نمی‌کند بلکه وقت اداء ثمن یک وقت خاصی است. به عبارت دیگر فرض کنید در همان مثالی که گفتیم آن یک تن گندم را نسیه فروخته و قرار است پول آن را هم شش ماه بعد بگیرد؛ اینجا تکلیف چیست؟ فرض کنید کسی یک تن گندم را که یک میلیون خریده، اواخر سال نود و چهار که سال خمس اوست به دو میلیون تومان بفروشد ولی قرار است سه ماه بعد این پول را بگیرد، پس قیمت بالا رفته و جنس هم فروخته شده ولی کل این جنس دین است و دین هم بگونه‌ای است که هر وقت بخواهد نمی‌تواند ثمن آن مال را اخذ کند بلکه زمان مشخصی دارد و در زمان مشخص باید این پول را بگیرد. اینجا آیا این افزایش قیمت، (این یک میلیون تومان اضافه) متعلق خمس است یا نیست؟ امام (ره) هر چند متعرض این مسئله نشدند اما به هر حال طبق مبنای ایشان دو وجه در اینجا متصور است:

از یک طرف وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که سود عملاً در سال مالی گذشته اتفاق نیفتاده؛ این دینی است که اطمینان به استحصال آن متی اراد نداشته چون برای أداء ثمن یک وقت مشخص و معینی تعیین شده بود. پس اگر بخواهیم مسئله را با آن ملاکی که امام در صورت سوم گفتند بسنجیم، باید بگوییم مانحن فیه از قبیل دیونی است که اطمینان به استحصال آن متی اراد نیست؛ در این صورت خمس این ارتفاع قیمت در سال مالی مثلاً نود و چهار واجب نیست چون زیاده و ربح در آن سال واقع نشده. درست است که این مال فروخته شده ولی دین و طلبی است که وقت آن هنوز نرسیده. پس اگر از این جهت نگاه کنیم باید بگوییم این متعلق خمس نیست.

اما از یک طرف می‌بینیم این مال را درست است در سال مالی گذشته فروخته و قیمت هم بالا رفته بوده و وقت دینش هم در سال آینده است، اما در هر صورت اطمینان به حصول آن در وقت خودش داشته است؛ فرق است بین اطمینان به استحصال دین متی اراد و اطمینان به استحصال دین فی وقته. در صورت سوم بحث در این بود که همان موقع درست است طلب داشت از مردم ولی متی اراد لاستحاصله؛ هر وقت می‌خواست می‌توانست بگیرد و مثل پول نقد بود ولی اطمینان به استحصال فی وقته الخاص اینگونه نیست. هر وقت دلش بخواهد نمی‌تواند برود سراغ بدهکار و این مال را از او بگیرد بلکه باید صبر کند تا وقت أداء ثمن شود. حال چه بسا کسی بگوید الان در سال مالی خمسی اش نمی‌تواند این پول را بگیرد ولی یقین دارد سه ماه بعد مشتری پول او را خواهد داد (مثلاً انسان معتبر و خوش نامی است)؛ لعل به اعتبار اطمینان به حصول این دین در وقت أداءش بگوییم الان در همین سال مالی خمسه واجب است. درست است که ربح بعداً محقق می‌شود ولی چون یقین به تحقق داریم، در این صورت در همین سال مالی جاری باید خمسه را أداء کنیم.

پس این دو وجه متصور است، به یک اعتبار می‌توانیم بگوییم خمس واجب نیست و به یک اعتبار می‌توانیم بگوییم خمس واجب است. حال اینکه از ظاهر عبارت امام (ره) کدام یک از این دو وجه قابل استفاده است؟

چه بسا بگوییم وجه اول اظهر است چون امام در صورت سوم تفصیلی دادند بین «ما یطمئنُ بِاستحصاله متی اراد» و «ما لا یطمئنُ بِاستحصاله». خود اینکه امام (ره) در متن تحریر کلمه «متی اراد» را آورده، این شاهد بر همین مطلبی است که عرض کردیم چون وقت أداء ثمن طبق این فرض در سال آینده است و اگر اراده کند تحصیل آن دین را زودتر از موعد خودش نمی‌تواند تحصیل کند پس کأن امکان بیع برای او نیست. این در قوه عدم امکان بیع و اخذ قیمت است لذا طبق نظر امام (ره) آنگونه که از کلمه «متی اراد» استفاده می‌شود باید بگوییم در صورت چهارم ایشان قائل به وجوب خمس در سنه بیع نیست. هر وقت پول را در وقت خودش گرفت، در سال مالی آینده این را به عنوان یک فائده قرار می‌دهد و بعد اگر در کنار سایر فواید و بعد از کسر هزینه‌ها چیزی اضافه ماند، آنوقت خمسه را در سال آینده می‌دهد.

اما بنا بر نظر مختار «یجب خمسہ فی سنه البیع» در همان گذشته واجب است نه سال آینده؛ چون طبق نظر مختار وجوب خمس متوقف بر تحقق عنوان فائده است و عنوان فائده به واسطه ارتفاع قیمت محقق شده است. یک تن گندم به قیمت یک

میلیون تومان داشته و الان همه آنها را فروخته به دو میلیون تومان ولو نسبتاً فروخته اما بالاخره می‌توانیم بگوییم این تاجر در سال مالی گذشته یک میلیون تومان فائده برده، فوقش این است که این فائده سه ماه دیگر به او می‌رسد ولی مهم صدق عنوان فائده است و ما در این رابطه مسئله امکان بیع و اخذ قیمت را شرط نکردیم. لذا هر چند اینجا الان نمی‌تواند پولش را بگیرد، فوقش این است که می‌شود مثل مواردی که جنسش موجود بوده ولی امکان بیع نبوده. به همان ملاکی که ما در آنجا قائل به وجوب خمس شدیم، اینجا هم قائل به وجوب خمس می‌شویم. لذا او محاسبه سود و زیان می‌کند لکن اگر الان پول ندارد و نمی‌تواند بپردازد، این می‌شود یک دینی از دیون او و بعد که به پول برسد، خواهد پرداخت.

«هذا تمام الكلام فى المسئلة التاسعة»

مسئله دهم

«الخمس فى هذا القسم بعد إخراج الغرامات و المصارف التى تصرف فى تحصيل النماء و الربح، و انما يتعلق بالفاضل من مؤونة السنة التى أولها حال الشروع فى التكبس فىمن عمله التكبس و استفادة الفوائد تدريجا يوما فيوما مثلا، و فى غيره من حين حصول الربح و الفائدة.»

در مسئله دهم به دو مطلب اشاره می‌کنند که یک مطلب را سابقاً به نحو تفصیل بحث کردیم؛

مطلب اول

مطلب اول این است که خمس بعد از کسر هزینه‌های تحصیل واجب می‌شود. ما قبلاً اشاره کردیم که مؤونه بر دو قسم است: یکی مؤونه شخص و مؤونه زندگی (هرچه که به شئون او مربوط می‌شود) و دیگری هم مؤونه تحصیل فائده است. ما به مناسبت قبلاً مکرراً در رابطه با کسر مؤونه تحصیل فائده و مؤونه زندگی شخص، بحث کردیم و دلیل هر دو را گفتیم. در متن تحریر امام تا به حال اشاره به مسئله کسر هزینه‌های تحصیل نکرده بودند هر چند در بعضی از موارد اربعه گذشته اشاره‌ای شده بود اما این یک قاعده کلی است که خمس در همه جا بعد از کسر هزینه‌های تحصیل فائده واجب می‌شود. هزینه‌های تحصیل معدن، غنیمت جنگی، غوص و از جمله موارد در همین قسم است. اگر مال التجارة دچار افزایش قیمت شود؛ این قیمت که همینجوری بالا نرفته بلکه مالی بوده که خریده و برای جابجایی این مال هزینه کرده و در یک محلی به عنوان انبار نگهداری کرده، اینها مجموعاً هزینه‌های خاصی دارد. خمس در این ارتفاع قیمت در مال التجارة هم بعد از اخراج هزینه‌ها و مصارفی که در تحصیل نماء صرف می‌شود حساب می‌شود و فرقی هم نمی‌کند زیاده عینیه باشد یا حکمیه باشد. ارتفاع قیمت باشد یا متولد شدن یک بره. در هر صورت خمس در این قسم بعد از اخراج غرامت و مصارفی که در تحصیل سود و فائده و نماء مصرف می‌شود، واجب می‌شود. این مطلب اول که در ضمن این کلام فرمودند: «الخمس فى هذا القسم بعد إخراج الغرامات و المصارف التى تصرف فى تحصيل النماء و الربح.»

بحث جلسه آینده: اما از «و انما يتعلق» مطلب دوم است که عمده مسئله دهم مربوط به همین بخش است که ان شاء الله در

جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمين»